

## مروری بر بررسی ابعاد مختلف جرم‌شناسی سبز در ایران

عبدالرضا مهدی پور<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

### چکیده

جرائم زیست‌محیطی به عنوان یکی از چالش‌های مهم معاصر، نیازمند رویکردی جامع و میان‌رشته‌ای برای شناسایی علل، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن‌هاست. با وجود پیشرفت‌های قانونی در ایران، سیاست کیفری موجود به دلیل ضعف در ضمانت اجرا، نظارت ناکافی و کم‌توجهی به بزهدیدگان غیرانسانی، پاسخگو نیست. این مقاله با بهره‌گیری از روش مرور سیستماتیک منابع و مقالات مرتبط، به بررسی مفهوم جرم سبز، نقش جرم‌شناسی سبز و جایگاه نوظهور جرم‌شناسی فرهنگی سبز می‌پردازد. همچنین چالش‌ها و فرصت‌های سیاست کیفری ایران در مقابله با جرائم زیست‌محیطی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تلفیق رویکردهای فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای در جرم‌شناسی فرهنگی سبز می‌تواند به درک بهتر ریشه‌های فرهنگی و ساختاری جرائم زیست‌محیطی کمک کند و سیاست‌های پیشگیرانه و کیفری مؤثرتری را فراهم آورد. در نهایت، توصیه می‌شود که بازنگری در سیاست‌های کیفری و استفاده از رویکردهای جرم‌شناسی سبز و فرهنگی، زمینه‌ساز توسعه پایدار و حفظ حقوق نسل‌های حاضر و آینده گردد.

### واژگان کلیدی

جرم سبز، جرم‌شناسی سبز، سیاست کیفری ایران، جرم‌شناسی فرهنگی سبز

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (Reza.mahdi13640@gmail.com)

## ۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، تخریب محیط زیست و افزایش آسیب‌های زیست‌محیطی به یکی از چالش‌های اساسی جوامع بشری تبدیل شده است (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۸). مسائلی نظیر تغییرات اقلیمی، تخریب لایه اوزون، آلودگی منابع آب و هوا و نابودی گونه‌های زیستی، پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت انسان‌ها و سایر موجودات زنده به جای گذاشته و زیست‌پذیری کره زمین را با تهدید جدی مواجه ساخته است. این تحولات، به‌ویژه در جوامعی که به سمت صنعتی‌شدن و رشد سریع اقتصادی حرکت کرده‌اند، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است (Tayebi and Zarabi, 2018).

در این میان، جرم‌شناسی سنتی که عمدتاً بر جرائم خیابانی و انحرافات فردی متمرکز بوده است، در تحلیل و تبیین این آسیب‌های نوظهور زیست‌محیطی با کاستی‌هایی روبروست. همین ضعف در پوشش جرائم زیست‌محیطی، منجر به شکل‌گیری شاخه‌ای نوین تحت عنوان «جرم‌شناسی سبز»<sup>۱</sup> شده است که نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط مایکل لینچ و گروهی از جرم‌شناسان انتقادی ایالات متحده آمریکا معرفی شد (Lynch, 2020). این رویکرد با عبور از چارچوب‌های سنتی جرم‌شناسی، تلاش دارد با بهره‌گیری از علوم میان‌رشته‌ای، به شناخت دقیق‌تر ابعاد گوناگون جرائم زیست‌محیطی، علل بروز آنها و راهکارهای مقابله با آنها بپردازد.

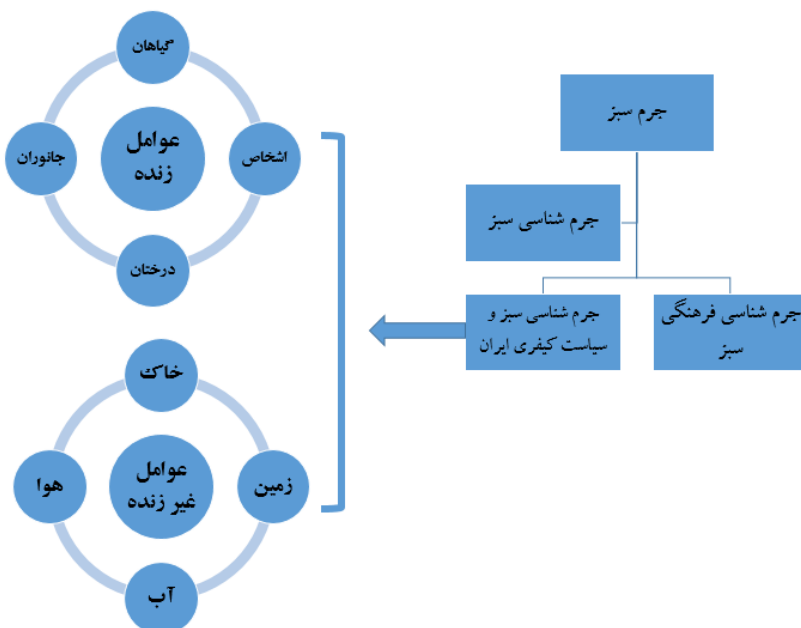
در ایران نیز با گسترش شتابان شهرنشینی، توسعه صنایع آلاینده، ضعف در اجرای مقررات زیست‌محیطی و فقدان سیاست‌های پیشگیرانه مؤثر، آسیب‌های زیست‌محیطی به یکی از معضلات جدی تبدیل شده است (محمدی و سخی، ۱۳۹۲). به‌رغم اهمیت این مسئله، مطالعات جرم‌شناختی در این حوزه بسیار محدود است و همچنان خلأ نظری و کاربردی در زمینه شناسایی دقیق علل و عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم زیست‌محیطی و راهکارهای مقابله با آن احساس می‌شود (رشیدی و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع، نبود تعریف دقیق و اجماعی از مفهوم جرم‌شناسی سبز، و همچنین پیچیدگی‌های ماهوی این نوع جرائم که اغلب ابعاد اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی را در بر می‌گیرند، ضرورت پرداختن هرچه بیشتر به این حوزه را دوچندان می‌کند (Aliakbari and CHamani, 2020).

با توجه به اینکه گام نخست در پیشگیری و مقابله با جرائم زیست‌محیطی، شناخت دقیق این جرائم و ابعاد گوناگون آنهاست، پرداختن به این موضوع از منظر جرم‌شناسی سبز اهمیتی دوچندان می‌یابد. از این رو، در این مقاله تلاش می‌شود ابعاد مختلف جرم‌شناسی سبز در ایران از جمله تعریف جرم سبز، جرم‌شناسی فرهنگی سبز و جرم‌شناسی سبز و سیاست کیفری ایران مورد بررسی قرار گیرد (شکل ۱) تا ضمن تبیین بهتر این حوزه نوظهور، زمینه‌ای برای ارائه راهکارهای اثربخش‌تر در مواجهه با جرائم زیست‌محیطی فراهم گردد.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

این مقاله به شیوه مروری و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایر منابع معتبر و در دسترس، به واکاوی و تبیین موضوع می‌پردازد. در این پژوهش تلاش شده است با نگاهی علمی و نظام‌مند، ابعاد و مؤلفه‌های مختلف جرم‌شناسی سبز در ایران مورد بررسی قرار گیرد و زمینه‌ای برای درک جامع‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه فراهم گردد. همچنین سعی شده است با تحلیل دیدگاه‌ها و یافته‌های موجود، تصویری روشن‌تر از وضعیت کنونی و نیازهای پژوهشی آینده در زمینه جرائم زیست‌محیطی در ایران ارائه شود.

<sup>1</sup> Green Criminology



شکل ۱. مدل مفهومی و شماتیک تحقیق

### ۳. یافته‌ها و بحث

#### ۳-۱. جرم سبز

جرم سبز به هر نوع رفتاری اطلاق می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تخریب، آلودگی یا بهره‌برداری نادرست از عناصر محیط زیست منجر شود و سلامت انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و اکوسیستم‌ها را به مخاطره اندازد (رشدی و همکاران، ۱۴۰۱). این دسته از جرائم عمدتاً شامل فعالیت‌هایی نظیر آلودگی منابع آبی، هوا و خاک، تخریب جنگل‌ها و مراتع، شکار و صید غیرمجاز، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، قاچاق گونه‌های در معرض انقراض و تخریب زیستگاه‌های طبیعی است.

جرائم سبز معمولاً دارای ویژگی‌های خاصی هستند از جمله: پیچیدگی و چندبُعدی بودن (دارای ابعاد حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی)، گستردگی آثار (شامل آسیب به نسل حاضر و نسل‌های آینده)، بزه‌دیدگی جمعی و اکولوژیکی (فراتر از بزه‌دیدگی فردی متداول در سایر جرائم)، ارتباط با منافع و قدرت‌های اقتصادی بزرگ (مانند شرکت‌های صنعتی، نفتی، معدنی و دولتی) (پوراابراهیم، ۱۴۰۲). در بسیاری از موارد، مرتکبان این جرائم ممکن است نه تنها افراد حقیقی، بلکه اشخاص حقوقی و نهادهای اقتصادی بزرگ باشند که کنترل و پیگیری کیفری آنها با دشواری‌های قابل توجهی همراه است. یکی از عمیق‌ترین تعاریف میان رشته‌ای برای جرایم سبز از مطالعات برین منتج شده است. او در نوشته بسیار مشهور خود در سال ۱۹۹۹ میلادی نوعی از جرم‌شناسی سبز را تعریف کرده است که به صورت جرم‌شناسی غیرگونه‌ای است و بر سوءاستفاده از حیوانات تمرکز دارد (Beirne, 2013). برای این کار ابتدا باید سوءاستفاده از حیوان را تعریف کرد، مفهومی که برین در سال ۱۹۹۹ میلادی به این صورت تعریف کرده است: هرگونه اقدامی که موجب ایجاد درد، رنج یا مرگ حیوان شده یا به نحوی موجب ایجاد خطر برای سلامت حیوان شود. سوءاستفاده از حیوان ممکن است به صورت فیزیکی، روانی یا احساسی بوده و ممکن است شامل سوءاستفاده فعالانه، عدم رسیدگی منفعلانه بوده و ممکن است به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، عمدی یا غیرعمدی بروز کند. برین و ساوث

در سال ۲۰۰۷ میلادی مفهوم سازی گسترده تری را برای جرایم سبز ارائه کرده‌اند. در متجددترین شکل ممکن، جرایم سبز شامل مطالعه آسیب علیه بشریت، محیط زیست و حیوانات غیرانسانی نیز می‌شود که ممکن است توسط نهادهای قدرتمند (دولت‌ها، شرکت‌های فراملی و دستگاه‌های نظامی) و افراد عادی انجام شود (Beirne and South, 2013). این تعریف این موضوع را مطرح می‌کند که نوعی از جرم شناسی سبز باید وجود داشته باشد که بتواند روابط قدرت را نیز مورد ملاحظه قرار دهد، که دیدگاهی هم‌راستا با تعاریف پیشین لینچ (۱۹۹۰) است (Beirne, 2011). آن‌ها همچنین این موضوع را مطرح کرده‌اند که افراد عادی ممکن است مرتکب جرایم سبز شوند.

### ۲-۳. جرم‌شناسی سبز

جرم‌شناسی سبز در پی بررسی و تجزیه و تحلیل دلایل، پیامدها و شیوع جرم و آسیب‌های محیطی، روش‌های جلوگیری از این جرائم توسط سیستم حقوقی (مدنی، کیفری و نظارتی)، اشخاص غیر دولتی و جنبش‌های اجتماعی بوده و سعی در بازتعریف و تفسیر جدیدی از ارائه جرائم و آسیب‌های وارد بر محیط زیست می‌نماید. بیشتر تحقیقات صورت گرفته در جرم‌شناسی سبز حول محور چگونگی ارتباط این رشته با جرم‌شناسی و حقوق و محیط زیست بوده است و کمتر از دریچه مبانی اخلاق زیستی به عنوان یک بخش از اخلاق کاربردی که به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای سوالات اخلاقی خود با رویکرد فلسفی است، به جرم‌شناسی سبز توجه شده است (White, 2013).

اصطلاح جرم‌شناسی سبز در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی برای اولین بار توسط مایک لینچ در ادبیات جرم‌شناسی ابداع و استفاده شد و در سال ۱۹۹۲ در کتاب جنایات مشارکتی، خشونت‌های مشارکتی نوشته نانی فرانک و مایک لینچ انعکاس و گسترش یافت و امروزه با گذشت نزدیک به ۳۵ سال بطور گسترده‌ای برای توصیف و تشریح پژوهش‌های جرم‌شناسانه‌ای که بطور خاص بر موضوعات زیست محیطی تمرکز می‌کند، مورد پذیرش و قبول جامعه علمی دنیا قرار گرفته است (رضایی، ۱۴۰۱). جرم‌شناسی سبز در دقیق‌ترین مفهوم خود بررسی نقض قوانینی است که برای محافظت از محیط زیست یا حیوانات طراحی شده است، نظیر قوانینی که باعث ایجاد آلودگی یا ممنوعیت شکار می‌شود. اما در یک نگاه وسیع‌تر به معنای بررسی آسیب‌هایی که بر محیط زیست تحمیل می‌شود و متخلفین و مجرمینی که بر علیه محیط زیست مرتکب جرم می‌شوند و چگونگی ارتکاب از سوی آن‌ها و همین‌طور قربانیان این جرائم و آسیب‌ها و نحوه جرم دیدگی و ورود آسیب به آن‌ها و نیز در خصوص واکنش مناسب به جرائم محیطی از قبیل سیاست گذاری، مجازات و پیشگیری، دیدگاه‌های کاربردی و نوینی را ارائه می‌دهد (White, 2013). برخی از محققان ایرانی، جرم‌شناسی سبز را جرم‌شناسی زیست محیطی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی بوده و در مورد جرم‌انگاری آسیب‌های زیست محیطی و پدیده‌های مربوط به آن مطالعه می‌کند، تعریف کرده‌اند.

### ۳-۳. جرم‌شناسی فرهنگی سبز

جرم‌شناسی فرهنگی سبز، شاخه‌ای نوین در حوزه جرم‌شناسی انتقادی معاصر است که با رویکردی فرهنگی به بررسی جرایم و آسیب‌های زیست محیطی می‌پردازد. این رشته معتقد است که بین فرهنگ، سیاست و مسائل زیست محیطی ارتباطی عمیق و معنادار وجود دارد. برای فهم بهتر این ارتباط، لازم است ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، به ویژه نقش و تأثیر رسانه‌های جمعی به دقت تحلیل شوند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۹).

جرم‌شناسی فرهنگی، زیرمجموعه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی است که به بررسی تأثیر ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و به‌ویژه رسانه‌ها در شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه می‌پردازد. این رویکرد برای فهم پیوند میان فرهنگ و جرم،

از نظریه‌های ساختارگرا، انتقادی، مطالعات فرهنگی، پست‌مدرنیسم و نظریه‌های ارتباطات بهره می‌برد. در این چارچوب، مفاهیمی چون «جرم به‌مثابه فرهنگ»، «فرهنگ به‌مثابه جرم» و «رابطه جرم و رسانه» برجسته می‌شوند و رفتارهای مجرمانه به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی که توسط ساختارهای سیاسی و رسانه‌ای شکل می‌گیرد، تحلیل می‌گردند. در ادامه، محرک‌های فرهنگی، خرده‌فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای این رفتارها مورد بررسی قرار می‌گیرند (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۹).

پدید آمدن رشته‌ی جرم‌شناسی فرهنگی سبز به‌عنوان یک رویکرد تازه و نوآورانه در حوزه جرم‌شناسی انتقادی، ریشه در چند عامل اساسی دارد (کریم نیا و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین دلایل این پدیدار شدن، کم‌توجهی‌های سیستماتیک و جداافتاده‌ای است که هر یک از حوزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی سبز نسبت به ابعاد حیاتی و روش‌شناختی جرایم زیست‌محیطی داشته‌اند. به‌طور خاص، جرم‌شناسی فرهنگی تا حد زیادی بر توسعه نظریه‌ها و تحلیل‌های مرتبط با فرهنگ در سطح رفتارهای مجرمانه، خرده‌فرهنگ‌ها و نقش رسانه‌ها تمرکز کرده است و در مقابل، به تحلیل عمیق و دقیق نقش دولت در ساختارهای فرهنگی و جرم‌انگاری فرهنگی دولت پرداخته نشده است؛ حال آنکه دولت به‌عنوان نهاد مرکزی و تاثیرگذار در سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تعریف جرم‌ها ایفا می‌کند (مومنی‌راد و همکاران، ۱۴۰۲). در سوی دیگر، جرم‌شناسی سبز که بیشترین تاکید خود را بر رفتارهای مخرب زیست‌محیطی شرکت‌ها و دولت‌ها گذاشته است، غالباً از بررسی نحوه پوشش و بازنمایی این جرایم در رسانه‌ها، تعاملات سیاسی و فشارهای پنهان حاکمیتی و همچنین بهره‌گیری از روش‌های نوین و انتقادی در تحلیل روابط پیچیده میان فرهنگ، جرم، عدالت و محیط زیست غافل مانده است (کریم نیا و همکاران، ۱۳۹۹). این خلأها و نواقص در هر دو حوزه سبب شده‌اند که هر کدام به تنهایی قادر به تبیین کامل و همه‌جانبه ماهیت و ابعاد جرم‌های زیست‌محیطی نباشند و همین موضوع ضرورت ادغام این دو شاخه مطالعاتی را در قالب جرم‌شناسی فرهنگی سبز پررنگ‌تر می‌کند. این رویکرد تلفیقی، زمینه را برای مطالعه‌ای جامع‌تر فراهم می‌آورد که بتواند پیچیدگی‌های فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای را در بستر جرایم زیست‌محیطی به شکل مؤثرتر و علمی‌تر تحلیل کند.

این کم‌توجهی‌ها و رویکردهای جزیره‌ای که در هر دو حوزه جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی سبز وجود داشت، زمینه‌ای فراهم آورد تا این دو رشته مطالعاتی به هم نزدیک شده و در قالب رویکردی جامع‌تر به نام جرم‌شناسی فرهنگی سبز ادغام شوند. این ادغام امکان بررسی گسترده‌تر و عمیق‌تر پیچیدگی‌های رابطه میان فرهنگ، سیاست، رسانه و آسیب‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌کند و به شناخت بهتر فرآیندهای جرم‌انگاری در حوزه محیط زیست کمک شایانی می‌نماید (حاجی‌وند و همکاران، ۱۴۰۳).

در ایران، با توجه به تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی و همچنین بافت‌های اجتماعی متفاوت در نقاط گوناگون کشور، جرم‌شناسی فرهنگی می‌تواند رویکردی بسیار کارآمد برای تحلیل الگوهای مختلف رفتارهای مجرمانه باشد. ارزش‌ها و هنجارهای متنوع در خرده‌فرهنگ‌ها، باورهای سنتی، تأثیر رسانه‌ها، تغییرات سبک زندگی شهری و شکاف‌های نسلی از جمله عوامل کلیدی هستند که زمینه‌ساز شکل‌گیری یا تداوم برخی جرائم خاص در بستر فرهنگی ایران محسوب می‌شوند. به‌ویژه جرائمی مانند خشونت‌های خانوادگی، جرائم ناموسی، تخلفات اخلاقی و رفتارهایی که با هنجارشکنی‌های فرهنگی و سبک زندگی در ارتباطند، بیش‌تر تحت تأثیر فرهنگ، عرف و برداشت‌های اجتماعی از هنجارها و ارزش‌ها قرار دارند تا عوامل صرفاً اقتصادی یا زیستی (رایجیان اصلی و همکاران، ۱۴۰۲). علاوه بر این،

تحولات سریع فرهنگی ناشی از جهانی شدن، گسترش فضای مجازی و افزایش ارتباطات بین‌المللی، چالش‌های جدیدی در حفظ هویت فرهنگی سنتی ایجاد کرده‌اند و منازعات هنجاری را تشدید نموده‌اند که این وضعیت می‌تواند به بروز رفتارهای مجرمانه جدید و متفاوت منجر شود. با این همه، با وجود اهمیت رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی در تحلیل مسائل اجتماعی ایران، این حوزه مطالعاتی هنوز در مراحل اولیه و کمتر نظام‌مند خود به سر می‌برد. پرداختن جدی‌تر به این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های پیشگیری مؤثرتر و متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی شود و در نهایت به فهم عمیق‌تر و علمی‌تر از بسترهای شکل‌گیری جرم در ایران کمک کند. این مسیر مطالعاتی نویدبخش گشودن افق‌های جدیدی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در کشور است.

### ۳-۴. جرم‌شناسی سبز و سیاست کیفری ایران

با گسترش آسیب‌های زیست‌محیطی در سطح جهانی، اهمیت توجه به رویکردهای نوین جرم‌شناسی از جمله جرم‌شناسی سبز در سیاست‌گذاری‌های کیفری نیز بیش از پیش احساس می‌شود (میر محمد تبار، ۱۴۰۲). جرم‌شناسی سبز که تمرکز آن بر بررسی علل و پیامدهای رفتارهای زیان‌بار علیه محیط زیست است، به دنبال ارائه تحلیل‌هایی فراتر از جرم‌شناسی سنتی برای پیشگیری و مقابله با جرائم زیست‌محیطی می‌باشد. این رویکرد با در نظر گرفتن ماهیت پیچیده و چندلایه جرائم زیست‌محیطی، بر ضرورت ترکیب علوم مختلف در سیاست‌گذاری کیفری محیط زیست تأکید دارد (بریس و ساوث، ۲۰۲۲).

در سیاست کیفری ایران نیز طی سال‌های اخیر توجه به جرائم زیست‌محیطی افزایش یافته و مقررات متعددی برای حمایت کیفری از محیط زیست وضع شده است. در قوانین ایران از جمله قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴)، قانون حفاظت از منابع آب و خاک و قانون شکار و صید، مجازات‌هایی برای برخی از جرائم زیست‌محیطی پیش‌بینی شده است (خالقی و رشوادی، ۱۳۹۲). با این حال، چارچوب سیاست کیفری ایران در این زمینه همچنان با چالش‌هایی جدی مواجه است. نخست، سیاست کیفری ایران غالباً رویکردی واکنشی دارد و کمتر به جنبه‌های پیشگیرانه، آموزشی و فرهنگ‌سازی محیط‌زیستی توجه می‌شود. بسیاری از مقررات موجود نیز ضمانت اجرای کافی نداشته و در عمل اجرا نمی‌شوند یا اجرای آن‌ها با ضعف جدی در نظارت و پیگیری همراه است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین، در اغلب موارد سیاست کیفری ایران به برخورد با مرتکبان خرد و کوچک (مانند شکارچیان یا واحدهای تولیدی کوچک آلاینده) محدود می‌شود و کمتر به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بزرگ، نهادهای دولتی یا شرکت‌های بزرگ آلاینده پرداخته شده است، در حالی که بسیاری از تخریب‌های گسترده محیط زیست ناشی از تصمیمات کلان اقتصادی و پروژه‌های بزرگ عمرانی و صنعتی است. از منظر جرم‌شناسی سبز، لازم است سیاست کیفری ایران از سطح مجازات‌های صرفاً تنبیهی فراتر رفته و به سمت سیاست‌های جامع‌تری حرکت کند که دربرگیرنده اقدامات پیشگیرانه، تقویت نظارت‌های محیط‌زیستی، اعمال مسئولیت کیفری موثر بر اشخاص حقیقی و حقوقی قدرتمند، شفاف‌سازی فرآیندهای صدور مجوزهای زیست‌محیطی و همچنین ارتقای آگاهی عمومی نسبت به اهمیت حفظ محیط زیست باشد (خالقی و رشوادی، ۱۳۹۲). افزون بر این، تدوین نظام‌های دقیق ثبت جرائم زیست‌محیطی، آموزش تخصصی قضات و ضابطان دادگستری در این حوزه و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، می‌تواند سیاست کیفری ایران را در مقابله مؤثر با جرائم زیست‌محیطی کارآمدتر سازد.

در نهایت، بهره‌گیری از دستاوردهای جرم‌شناسی سبز می‌تواند به اصلاح سیاست کیفری موجود و حرکت به سوی سیاستی عدالت‌محور، پیشگیرانه و سازگار با تحولات زیست‌محیطی منجر شود، سیاستی که نه تنها بر حفظ محیط زیست و منابع طبیعی برای نسل‌های آینده تأکید می‌کند، بلکه حقوق بزهدیدگان زیست‌محیطی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. با رهگیری مقررات حاکم بر سیاست کیفری تقنینی ایران می‌توان جرم‌دیدگان سبز را به دو دسته کلی زنده و غیر زنده تقسیم نمود. جرم‌دیدگان سبز زنده شامل انسان‌ها، جانوران، درختان و گیاهان می‌شوند، در حالی که جرم‌دیدگان سبز غیر زنده، آب، هوا، خاک و زمین را در بر می‌گیرند (پوراابراهیم، ۱۴۰۲). اگرچه نظام حقوقی ایران در تدوین مقررات موجود، هر دو دسته را به عنوان جرم‌دیدگان سبز مورد شناسایی قرار داده و از این جهت متأثر از رویکرد طبیعت‌محور بوده است، اما همچنان چالش‌ها و کاستی‌های متعددی در حمایت مؤثر از این جرم‌دیدگان در قوانین و سیاست‌های کیفری مشاهده می‌شود. تبیین و بازنمایی این چالش‌ها می‌تواند نقش مهمی در بهبود سازوکارهای حمایت از جرم‌دیدگان سبز و ارتقاء کارآمدی نظام کیفری در این حوزه ایفا نماید.

### ۳-۴-۱. عوامل زنده

#### اشخاص

در مواجهه با آسیب‌های زیست‌محیطی، گاهی شاهد پدیده‌هایی هستیم که در نگاه اول شاید از نظر زیست‌محیطی مخرب باشند، اما از منظر حقوقی جرم‌انگاری نشده‌اند و حتی در برخی موارد تحت حمایت قانون قرار دارند. این مسئله نشان‌دهنده پیچیدگی و تعادل ظریفی است که قوانین محیط زیستی در بسیاری از کشورها از جمله ایران سعی در برقرار کردن آن دارند (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از مثال‌های بارز این موضوع، استفاده از محصولات دستکاری شده ژنتیکی (Genetically Modified Organisms – GMO) یا تراریخته است که در سال‌های اخیر در حوزه کشاورزی و صنایع غذایی به شدت مطرح شده‌اند. این محصولات، مانند دانه‌های روغنی سویا و ذرت تراریخته، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، از جمله مقاومت بیشتر در برابر آفات یا شرایط سخت محیطی، می‌توانند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری کشاورزی و تأمین امنیت غذایی داشته باشند. با این حال، نگرانی‌هایی نیز درباره پیامدهای زیست‌محیطی و سلامت انسان‌ها به دلیل مصرف یا رهاسازی این موجودات در محیط وجود دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

در نظام حقوقی ایران، استفاده از محصولات تراریخته نه تنها ممنوع نیست، بلکه بر اساس قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸ به صورت دقیق و نظام‌مند تنظیم شده است. این قانون، که به منظور ایجاد چارچوبی امن برای بهره‌برداری از موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی تدوین شده، با هدف تسهیل توسعه فناوری‌های زیستی در کنار حفاظت از سلامت انسان، محیط زیست و سایر موجودات زنده، تنظیم شده است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). مطابق ماده ۲ این قانون، «کلیه امور مربوط به تولید، رهاسازی، نقل و انتقال داخلی و فرامرزی، صادرات، واردات، عرضه، خرید، فروش، مصرف و استفاده از موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی، با رعایت مفاد این قانون مجاز است و دولت مکلف است تمهیدات لازم را برای انجام این امور از طریق بخش‌های غیر دولتی فراهم آورد». این بند نشان‌دهنده رویکرد حمایتی و توسعه‌محور قانونگذار نسبت به فناوری‌های نوین زیستی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). اما در مقابل این رویکرد توسعه‌گرایانه، قانونگذار به طور جدی به ملاحظات ایمنی و سلامت نیز توجه کرده است. در بند ج ماده ۵ قانون ایمنی زیستی، مسئولیت حفاظت از سلامت انسان و بررسی و ارزیابی مخاطرات احتمالی موجودات زنده تغییر شکل یافته، به خصوص آن‌هایی که در زنجیره غذایی انسان قرار دارند، بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی نهاده شده است. این نهاد موظف است هرگونه تهدید بالقوه را شناسایی و تدابیر لازم را برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی اتخاذ کند (۱). این رویکرد دوگانه یعنی حمایت از فناوری در کنار تأکید بر ایمنی و حفاظت نشان‌دهنده درک عمیق قانونگذار از ضرورت تعادل میان پیشرفت علمی و حفاظت از محیط زیست است. در واقع، این مدل قانونی تلاش می‌کند که ضمن بهره‌برداری از مزایای تکنولوژیکی، از مخاطرات غیرقابل بازگشت زیست‌محیطی و تهدیدهای سلامت انسانی جلوگیری کند.

از منظر جرم‌دیدگی، این تعادل به معنای آن است که نه هر تغییر زیست‌محیطی جرم محسوب می‌شود و نه هر فعالیتی که ممکن است اثرات منفی داشته باشد، الزاماً مجرمانه تلقی می‌گردد. بلکه جرم‌انگاری باید بر مبنای معیارهای مشخص و شفاف صورت گیرد که شامل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، میزان تهدید برای سلامت عمومی، و رعایت قوانین و ضوابط مربوط به ایمنی زیستی است (پوراهاهم، ۱۴۰۲). از لحاظ فلسفی و اخلاقی نیز، این موضوع نشان می‌دهد که قانون به دنبال ایجاد یک چارچوب مسئولانه و هوشمند است که توسعه را بدون قربانی کردن منابع طبیعی و سلامت جامعه ممکن می‌سازد. این رویکرد به نوعی پاسخ به نقدهای جدی است که در سطح جهانی درباره فناوری‌های نوین زیستی وجود دارد و تلاش می‌کند که ضمن پیشگیری از سوءاستفاده‌ها و آسیب‌ها، امکان پیشرفت و نوآوری را حفظ نماید (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). در نهایت، می‌توان گفت نظام حقوقی ایران در این زمینه به گونه‌ای عمل کرده است که جرم‌دیدگی انسان‌ها در برابر آلودگی‌ها و تهدیدات زیست‌محیطی به صراحت به رسمیت شناخته شده است، اما همزمان، از فعالیت‌های نوآورانه و فناوری‌های جدید در حوزه زیست‌محیطی با رعایت موازین قانونی و ایمنی حمایت می‌کند. این مدل می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر حوزه‌های پیچیده زیست‌محیطی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

### جانوران

در آغاز تدوین قوانین ایران، رویکردی سنتی و مبتنی بر دیدگاه غربی نسبت به حیوانات مشاهده می‌شود. بر اساس مواد ۱۷، ۳۴ و ۱۷۱ قانون مدنی، حیوانات به عنوان اموال اشخاص شناخته شده‌اند و بر مبنای مواد ۱۷۹ و ۱۸۱ همان قانون، شکار حیوانات منجر به کسب مالکیت بر آن‌ها می‌گردد. این نگاه صرفاً مالکیتی اما با تصویب قوانین جدیدتر تا حدودی تعدیل یافته و حمایت کیفی از حیوانات به رسمیت شناخته شده است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). در نظام حقوقی ایران، حیوانات می‌توانند در قالب جرایم متعددی همچون آزار حیوانات، شکار غیرمجاز، صید غیرمجاز و قاچاق حیوانات مورد حمایت کیفی قرار گیرند. در این راستا، سه قانون مهم وجود دارد که هر یک به جرم‌انگاری رفتارهای مذکور پرداخته‌اند: قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ به همراه اصلاحات بعدی؛ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵؛ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.

از منظر گونه‌شناسی نیز، می‌توان جانوران را به دو دسته کلی خشکی‌زی و آبی تقسیم نمود. در خصوص حیوانات آبی، قانون جداگانه‌ای به نام قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ وجود دارد که صید و بهره‌برداری از آن‌ها را مقررات خاص خود می‌داند. لذا، شکار و صید جانوران آبی تابع قانون شکار و صید نیست و به موجب قانون مذکور تنظیم می‌شود (Movassaghi, 2022).

### درختان

درختان نقش بسیار مهمی در حفظ تعادل اکوسیستم دارند و با توجه به تأثیرات آن‌ها در دو پدیده کلان گرمایش زمین و تخریب لایه اوزون، نظام کیفی ایران به دو شکل مختلف حمایت کیفی از درختان را به رسمیت شناخته است (۱).

نخستین شکل حمایت مربوط به درختانی است که جزو اموال خصوصی اشخاص محسوب می‌شوند و مالکیت آن‌ها متعلق به افراد است. دومین شکل حمایت از درختان، به علت قرار داشتن آن‌ها در مالکیت عمومی و به عنوان ثروت ملی و عمومی کشور است. در حالت نخست، یعنی حمایت از درختان متعلق به اشخاص، قانونگذار با استناد به دو ماده ۶۷۵ و ۶۸۴ قانون تعزیرات، مقابله با رفتارهای آسیب‌زا به درختان را جرم‌انگاری کرده است (فرآشایی و همکاران، ۱۴۰۰). ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات که به حمایت از درختان در برابر آتش‌زدن می‌پردازد، مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً جنگل یا درختان یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد.» ماده ۶۸۴ قانون تعزیرات نیز که بر اساس قاعده تخریب تنظیم شده، بیان می‌دارد: هر کس باغ یا نخلستان متعلق به دیگری را خراب کند، محصول آن را قطع یا درو نماید، یا با سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن باغ یا نخلستان است، یا به وسیله اقدامات و وسایل دیگر موجب خشک شدن آن شود، به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). بدین ترتیب، نظام کیفری ایران با پیش‌بینی مجازات‌های سنگین برای این جرایم، تلاش می‌کند از درختان به عنوان منابع حیاتی و بخش ارزشمند محیط زیست حمایت نماید.

### گیاهان

بررسی نظام کیفری ایران در زمینه جرم‌انگاری تعرض به گیاهان، نوعی دوگانگی در رویکرد قانونگذار را نشان می‌دهد. از یک سو، در بخش‌هایی از قوانین، قانونگذار به ارزش ذاتی گیاهان اذعان کرده و برای صیانت از آنها مقررات کیفری وضع نموده است؛ از سوی دیگر، در برخی مقررات، حمایت کیفری از گیاهان عمدتاً به سبب نقش و کارکرد آنها در حفظ سایر اجزای محیط زیست به رسمیت شناخته شده است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). نمونه بارز دیدگاه نخست در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مشاهده می‌شود که در آن هرگونه انتشار و ترکیب مواد خارجی در آب، هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا زیستی آن را تغییر دهد و به گیاهان آسیب برساند، تحت عنوان آلودگی محیط زیست جرم‌انگاری شده است. در اینجا، حمایت از گیاهان به دلیل اثرات مستقیم آلودگی بر حیات گیاهی مورد توجه قرار گرفته است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸).

در دیدگاه دوم، قانونگذار از گیاهان به دلیل نقش آن‌ها در تداوم چرخه زیستی و به عنوان زیستگاه سایر موجودات زنده، به ویژه حیوانات، حمایت کیفری به عمل آورده است. در این راستا، قانون شکار و صید علاوه بر جرم‌انگاری تعرض به حیات وحش، تعرض به زیستگاه‌های طبیعی آنها را نیز مشمول ضمانت اجرای کیفری قرار داده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). بر اساس بند «د» ماده ۱۰ قانون شکار و صید، چنانچه گیاهان در مناطق حفاظت‌شده و پناهگاه‌های حیات وحش قرار داشته باشند، اقداماتی چون قطع بوته‌ها، خارزنی، بوته‌کشی و تعلیف غیرمجاز، مستوجب جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال و یا حبس از یک تا شش ماه خواهد بود. در خصوص آتش‌زدن گیاهان نیز قانونگذار هر دو حالت عمدی و غیرعمدی را جرم‌انگاری کرده است. در حالت غیرعمد، مطابق بند «ه» ماده ۱۳ قانون شکار و صید، فارغ از آن که گیاهان در پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت‌شده یا پناهگاه‌های حیات وحش قرار داشته باشند، مرتکب تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد. اما در خصوص آتش‌زدن عمدی، حمایت کیفری تنها زمانی اعمال می‌شود که حریق در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی اتفاق افتاده باشد که در این حالت، مشمول حکم تبصره یک ماده ۱۳ خواهد بود (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی، این دو رویکرد نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران در حمایت از

گیاهان گاهی بر مبنای ملاحظات اکولوژیکی و گاهی صرفاً به سبب جایگاه گیاهان در زنجیره حیات، اقدام به جرم‌انگاری کرده است.

### ۳-۴-۲. عوامل غیر زنده

#### هوا

در نظام حقوقی ایران، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ به عنوان یکی از قوانین خاص، موضوع جرم‌انگاری آلودگی هوا را به رسمیت شناخته است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). در ماده ۲ این قانون، آلودگی هوا چنین تعریف شده است: «وجود و انتشار یک یا چند آلاینده از قبیل مواد جامد، مایع، گاز، پرتوهای یونساز یا غیر یونساز در هوای آزاد به میزان و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای انسان، سایر موجودات زنده، گیاهان، آثار تاریخی یا ابنیه زیان‌آور باشد.» بر اساس این قانون، مهم‌ترین رفتارهای مجرمانه مرتبط با آلودگی هوا عبارتند از: تردد با وسایل نقلیه موتوری آلاینده (موضوع ماده ۲۸)، تخلف از ممنوعیت‌های مقرر در زمینه آلودگی هوا (ماده ۲۸)، عدم رعایت ضوابط مربوط به رفع آلودگی یا توقف فعالیت‌های آلوده‌کننده توسط کارخانه‌ها و کارگاه‌ها (ماده ۲۹) ایجاد آلودگی از سوی منابع تجاری و اماکن عمومی (ماده ۳۱)، آلودگی ناشی از منابع متفرقه و خانگی (ماده ۳۲) بدین ترتیب، قانونگذار با جرم‌انگاری این رفتارها، تلاش کرده است تا از کیفیت هوا به عنوان بخشی از محیط زیست در برابر آلاینده‌های گوناگون حفاظت نماید و برای متخلفین ضمانت اجرای کیفری مقرر کند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

#### آب

در نظام حقوق کیفری ایران، مجموعه‌ای از قوانین به جرم‌انگاری آلودگی منابع آبی پرداخته‌اند. مهم‌ترین این مقررات عبارتند از: قانون شکار و صید، قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون تعزیرات و قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). در این قوانین، مجازات مرتکبین آلودگی آب بسته به نوع منبع آبی و آثار زیانبار آن، متفاوت پیش‌بینی شده است. به طور مثال، در صورتی که آلودگی به منابع آب آشامیدنی وارد شود، طبق ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات، این عمل از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی محسوب می‌شود که مجازات آن حبس تا یک سال است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). اما چنانچه آلودگی متوجه منابعی همچون رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌های حفاظت‌شده، چشمه‌ها و آبشخورها گردد، مطابق بند «د» ماده ۱۲ قانون شکار و صید، مرتکب به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. لازم به ذکر است که ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات، در کنار سایر مصادیق، به صراحت «ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها» را نیز به عنوان تهدید علیه بهداشت عمومی در زمره جرائم قابل تعقیب کیفری قرار داده است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری در حوزه آلودگی آب نه به سبب ارزش ذاتی آب، بلکه عمدتاً با در نظر گرفتن آثار زیانبار آن برای اشخاص و جامعه صورت گرفته است؛ بدین معنا که مادامی که آلودگی به دیگران لطمه‌ای وارد نسازد، حمایت کیفری نسبت به منابع آبی اعمال نمی‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

#### خاک

در نظام حقوق کیفری ایران، خاک می‌تواند موضوع ارتکاب دو نوع جرم قرار گیرد: تخریب و آلودگی. جرم آلودگی خاک در قالب تهدید علیه بهداشت عمومی، در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) پیش‌بینی شده است

(پورا برهیم، ۱۴۰۲). به موجب این ماده، هر عملی که سلامت عمومی را به خطر اندازد، همچون آلوده ساختن منابع آب آشامیدنی، توزیع آب ناسالم، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، تخلیه مواد سمی در رودخانه‌ها، رهاسازی زباله در معابر عمومی، ذبح غیرمجاز دام و همچنین استفاده از فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌ها برای مصارف کشاورزی، ممنوع اعلام شده است. مرتکبان این اعمال، در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری در قوانین خاص نباشند، به حبس تا یک سال محکوم می‌شوند (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸).

در تبصره دوم همین ماده، آلودگی محیط زیست به طور دقیق تعریف شده است. بر این اساس، آلودگی عبارت است از افزودن یا ترکیب مواد خارجی با خاک به گونه‌ای که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا زیستی آن به میزانی تغییر یابد که سلامت انسان، سایر موجودات زنده، گیاهان، آثار تاریخی یا ابنیه در معرض آسیب و تهدید قرار گیرند. بنابراین، صرف ورود مواد آلاینده به خاک چنانچه آسیبی به موجودات یا محیط وارد نکند، از منظر کیفری جرم محسوب نمی‌شود (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸).

### زمین

یکی از جدی‌ترین جرائم علیه محیط زیست در نظام حقوق کیفری ایران، تخریب سرزمین و منابع طبیعی است. قانونگذار در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به صراحت چنین اعمالی را جرم‌انگاری کرده است (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس این ماده، هر فردی که از طریق صحنه‌سازی و اقدامات مشابه، نشانه‌هایی از تصرف اراضی زراعی، چه کشت شده و چه در آیش، جنگل‌ها، مراتع ملی شده، ارتفاعات، باغات، قلمستان‌ها، منابع آبی، چشمه‌ها، رودخانه‌ها و پارک‌های ملی را ایجاد کند تا خود یا دیگری را صاحب آن جلوه دهد، مرتکب جرم شده و به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد (پورا برهیم، ۱۴۰۲). همچنین، هر گونه عملیات بدون اخذ مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست یا سایر مراجع ذی‌ربط که به آسیب و نابودی منابع طبیعی و محیط زیست منجر شود، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد. از جمله مصادیق بارز این جرم می‌توان به نابودی پوشش گیاهی در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش، قطع و ریشه‌کن کردن گیاهان، بوته‌ها و درختچه‌های مناطق بیابانی، کویری و کوهستانی اشاره کرد (شاملو و همکاران، ۱۳۹۸).

### ۵. نتیجه‌گیری

امروزه اهمیت توجه به جرائم زیست‌محیطی در پرتو تحولات گسترده زیست‌محیطی، صنعتی شدن جوامع و تهدیدات جدی علیه منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها بیش از پیش آشکار شده است. در این میان، جرم‌شناسی سبز به عنوان شاخه‌ای نوظهور از علوم جرم‌شناسی، با بهره‌گیری از رویکردی میان‌رشته‌ای، به بررسی ابعاد گوناگون جرائم زیست‌محیطی، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای مقابله با این جرائم می‌پردازد. این شاخه علاوه بر تحلیل جنبه‌های قانونی و کیفری، به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی جرائم زیست‌محیطی نیز توجه ویژه دارد و سعی می‌کند آسیب‌های وارده به محیط زیست را از منظر بزه‌دیدگی گسترده‌تر و عدالت بوم‌شناختی ارزیابی کند. در ایران نیز هرچند قوانین متعددی در حمایت از محیط زیست وضع شده است و برخی اقدامات حمایتی صورت گرفته است، اما سیاست کیفری موجود هنوز درگیر چالش‌هایی همچون ضعف در ضمانت اجرا، کمبود نظارت مؤثر، توجه ناکافی به بزه‌دیدگان غیرانسانی و فقدان سیاست‌های پیشگیرانه و فرهنگ‌ساز می‌باشد. به‌علاوه، در بسیاری از موارد تمرکز سیاست کیفری عمدتاً بر برخورد با مرتکبان خرد بوده و برخورد مؤثری با مسئولیت اشخاص حقوقی بزرگ و نهادهای دولتی و اقتصادی

قدرتمند مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، ضرورت توجه به رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی سبز در ایران، با توجه به ویژگی‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی و قومی کشور، می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از ریشه‌های فرهنگی جرائم زیست‌محیطی و راهکارهای پیشگیری متناسب با بافت فرهنگی ارائه دهد. در مجموع می‌توان گفت برای مقابله مؤثر با جرائم زیست‌محیطی در ایران، لازم است ضمن بازنگری و به‌روزرسانی سیاست‌های کیفری موجود، از ظرفیت‌های نظری و کاربردی جرم‌شناسی سبز و جرم‌شناسی فرهنگی سبز بهره‌گیری شود تا سیاستی جامع، پیشگیرانه، عادلانه و منطبق با واقعیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی کشور شکل گیرد. این امر نه تنها به کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی منجر می‌شود بلکه زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار و صیانت از حقوق نسل‌های حاضر و آینده خواهد بود.

## ۱. ۶. منابع و مآخذ

۲. احمدی، اصغر؛ خسروشاهی، قدرت‌الله و شاملو، باقر. (۱۳۹۵). حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران. مجله اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۱، ۱۶۷-۱۸۶.
۳. اخوان کاظمی، مسعود؛ سادات حسینی، طیبه و بهرامی پور، فرشته. (۱۳۹۸). واکاوی تاثیر تغییرات آب و هوایی بر امنیت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۶، ۹-۳۹.
۴. بریسمن، اوی و ساوژ، نیگل. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی سبز و جرائم و آسیب‌های زیست‌محیطی، مجله تمدن حقوقی، دوره ۲، شماره ۵، ۶۶-۹۲.
۵. پوراابراهیم، احمد. (۱۴۰۲). پیشگیری از جرائم سبز در پرتو رویکردهای جرم‌شناسی انتقادی، مجله آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، دوره دوم، شماره سوم، ۴۳-۶۴.
۶. حاجی‌وند، امین؛ حسینی، سید حسین و جوان جعفری، عبدالرضا. (۱۴۰۳). تاثیرگذاری بزه‌های ضد سبز بر امنیت و پاسخ‌های سیاست جنایی کارآمد زیست‌محیطی، مجله امنیت ملی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۱۱۱-۱۴۲.
۷. خالقی، ابوالفتح و رشنوادی، حجت‌الله. (۱۳۹۲). سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۳، ۱۱۹-۱۴۱.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد؛ رحیمی نژاد، اسمعیل و رزم آوربناب، رضا. (۱۴۰۲). سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در آینه جرم‌شناسی فرهنگی: با رویکردی انتقادی به نمونه‌هایی از چالش‌های آن در ایران، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۲۵۹-۳۰۲.
۹. رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۹). جرم‌شناسی فرهنگی سبز: از علت‌شناسی تا پیشگیری، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره اول، شماره ۲۱، ۷۵-۱۰۲.
۱۰. رضایی، رحمت‌اله. (۱۴۰۱). تحلیل مبانی اخلاق زیستی در جرم‌شناسی سبز، مجله اخلاق زیستی، دوره ۱۲، شماره ۳۷، ۱-۱۱.
۱۱. رشیدی، علی؛ آقائی بجستانی، مریم و روحانی مقدم، محمد. (۱۴۰۱). واکاوی ابعاد جرم‌شناختی جرم سبز از منظر فقه امامیه و اسناد بین‌المللی، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۲۸، ۱۰۳-۱۳۰.
۱۲. شاملو، باقر؛ احمدی، اصغر و خسرو شاهی، قدرت‌الله. (۱۳۹۸). بزه دیده شناسی سبز، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۰، ۳۷-۶۷.

۱۳. کریم نیا، سحر؛ معظمی، شهلا و بشیریه، تهمورث. (۱۳۹۹). ادغام نظریه جرم‌شناسی سبز با نظریه جرم‌شناسی فرهنگی و مقابله با بحران محیط زیست در پرتو اقدامات سازمان ملل، دوفصلنامه ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دوره ۳، شماره ۴، ۲۱-۵۰.
۱۴. فرآشینی، محمد ابراهیم؛ یارمند، حمید؛ کازرانی، فرزانه؛ فراهانی، سمیرا؛ زمانی، سیده معصومه و علی نژاد، مرضیه. (۱۴۰۰). حفاظت از مرتع‌کاری‌ها و جنگل‌کاری‌های مناطق بیابانی کشور: چالش‌ها و راهکارها، مجله طبیعت ایران، دوره ۶، شماره ۴، ۲۳-۳۲.
۱۵. محمدی، حسین و سخی، فاطمه. (۱۳۹۲). تاثیر تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه انسانی بر شاخص عملکرد محیط زیست، مجله سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۱، شماره ۳، ۷۵-۵۵.
۱۶. مومنی‌راد، احمد؛ یکرنگی، محمد و جعفری‌هرندی، کبری. (۱۴۰۲). راهکارهای پیشگیری از جرایم زیست محیطی با تأکید بر پدیده اکوساید. پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، دوره ۱۰، شماره ۴، ۱۳۶-۱۵۹.
۱۷. میرکمالی، علیرضا؛ حاجی‌وند، امین و نباتی، علی. (۱۳۹۹). جرائم زیست محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی در سنجه جرم‌شناسی فرهنگی سبز، مجله اخلاق زیستی-علمی پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، ۱-۱۱.
۱۸. میر محمد تبار، سید احمد. (۱۴۰۲). مرور نظام‌مند عوامل مؤثر بر جرائم محیط‌زیستی، مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱۲، ۱۷-۳۶.
19. Tayebi, S., & Zarabi, M. (2018). *Environmental Diplomacy and Climate Change; Constructive strategic approach to reducer*. Human & Environment, 5(4), 159.
20. Lynch, M. J. (2020). *Green criminology and environmental crime: Criminology that matters in the age of global ecological collapse*. Journal of White Collar and Corporate Crime, 1(1), 50-61.
21. Aliakbari, R. and CHamani, N. (2020). *Green Criminology and Environmental Crimes and Harms*. Fares Law Research, 2(5), 66-92.
22. Movassaghi, H. (2022). *Establishment of the International Court for the Protection of Animals: From Dream to Reality*. Modern Jurisprudence and Law, 2(8), 64-88.
23. Beirne, P. (2013). *Animal rights, animal abuse and green criminology*. In Issues in green criminology (pp. 55-84). Willan.
24. Beirne, P., & South, N. (Eds.). (2013). *Issues in green criminology*. Routledge.
25. Beirne, P. (2011). *Animal abuse and criminology: Introduction to a special issue*. Crime, Law and Social Change, 55, 349-357.
26. White, R. (2013). *The conceptual contours of green criminology*. In Emerging issues in green criminology: Exploring power, justice and harm (pp. 17-33). London: Palgrave Macmillan UK.

## Review of the Various Dimensions of Green Criminology in Iran

Abdolreza Mahdipoor <sup>\*1</sup>

### Abstract

Environmental crimes, as a significant contemporary challenge, require a comprehensive and interdisciplinary approach to identify their causes, consequences, and preventive measures. Despite legal advancements in Iran, the existing criminal policy remains insufficient due to weak enforcement, inadequate oversight, and neglect of non-human victims. This article employs a systematic review of related literature to examine the concept of green crime, the role of green criminology, and the emerging field of cultural green criminology. It also analyzes the challenges and opportunities within Iran's criminal policy for addressing environmental crimes. Findings indicate that integrating cultural, political, and media perspectives in cultural green criminology can enhance understanding of the cultural and structural roots of environmental offenses and facilitate more effective preventive and punitive policies. Ultimately, it is recommended that a revision of criminal policies, along with the application of green and cultural criminological approaches, will pave the way for sustainable development and the protection of the rights of current and future generations.

### Keywords

Green Crime, Green Criminology, Iran's Criminal Policy, Cultural Green Criminology

1. M.A. in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. (\*Corresponding Author: Reza.mahdi13640@gmail.com)